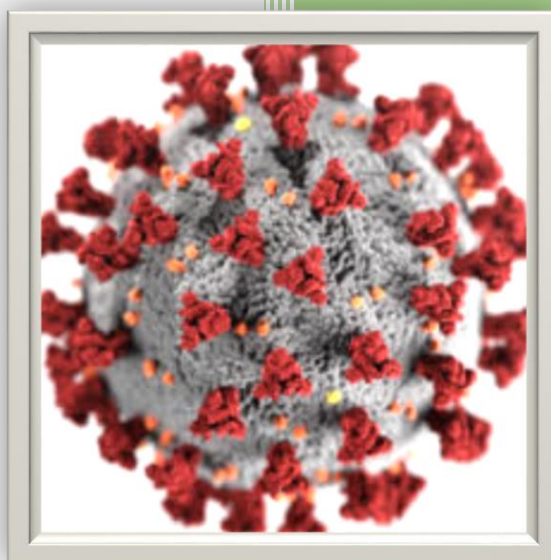


دانشگاه تربیت مدرس



دیدهبانی علمی بیماری کووید ۱۹

گزارش علمی



Scientific Report

انتظارات و شگفتی‌های جامعه ایران در مواجهه با کرونا

دکتر علی محمد حاضری

دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشکده علوم انسانی

دانشگاه تربیت مدرس

hazeri_a@modares.ac.ir

فضای مجازی آمیخته از اطلاعات علمی و شبه علمی است که ممکن است باعث سردرگمی استفاده‌کنندگان شود. هدف از این سلسله مباحث علمی، ارائه اطلاعات معتبر، دارای شناسنامه و تهیه شده توسط اساتید درباره کووید ۱۹ می‌باشد.

۵ اردیبهشت ۱۳۹۹

گروه مطالعات علم و فناوری - ۸

از آنجا که نگرش نقادانه و طرح کاستی‌ها و حتی بزرگ‌نمایی آن‌ها طرفداران زیادی دارد و به حد کافی در حال انجام است؛ در این شرایط که بالا رفتن امید و ضریب ایمنی جامعه شرط بقا و بهبود عملکرد آن در مواجهه با ویروس است، بر آن شدم ارزش زیبایی‌ها و شگفتی‌آفرینی‌های امیدبخش جامعه و ملت ایران را یادآور شوم و از مردم بخواهم مبتنی بر آنچه در بند آخر این یادداشت نگاشته‌ام از فرصت ماه مبارک رمضان برای خلق برجسته‌ترین جلوه مشارکت ملی در مقابله با کرونا شگفتی‌ساز شوند.

جامعه ایران در شرایطی با بحران و مسأله کرونا مواجه شد که از جهات گوناگون مستعد بروز یکی از بدترین و خسارت‌بارترین پیامدهای ناشی از سرایت فراگیر این ویروس بود. عوامل و زمینه‌هایی که احتمال بروز وضعیت بسیار بحرانی و پرخسارت را در جامعه ایران مساعد کرده بود بدین شرح می‌توان احصاء کرد:

۱- کادر درمانی و جامعه پزشکی ایران تحت تأثیر اجرای پرهزینه طرح تحول سلامت که علی‌رغم برخی دستاوردهای درمانی قابل توجه و مطلوبی که داشت، بعلت عدم امکان تداوم طرح ناشی از وقفه و کمبود منابع مالی با آسیب‌های درونی متعددی مواجه شده بود. اولاً بخشی از کادر درمانی متخصص که طی سال‌های اجرای طرح از درآمدهای سرشار آن بهره‌مند شده بودند با افول طرح، از درآمدهای هنگفتی که به آن عادت کرده بودند بازماندند و با نوعی احساس محرومیت ناشی از اصل توقعات فزاینده مواجه شدند. بدین معنا که این گروه به سادگی نمی‌توانستند خود را با درآمدهای متعارف قبل از اجرای طرح سازگار کنند. ثانیاً اجرای طرح تحول، نابرابری فزاینده‌ای در میزان بهره‌مندی مجموعه کادر درمانی ایجاد کرد به نحوی که پرستاران و نیروهای بخش خدمات درمانی و حتی بخشی از پزشکان عمومی در مقایسه با پزشکان متخصص و مشهور از سهم و درآمد بسیار کمتری از منابع طرح تحول سلامت بهره‌مند می‌شدند. این امر به احساس نابرابری در میان این اقشار دامن زده بود و به ویژه محدودیت استخدام نیروی جدید هم بر سنگینی بار وظایف این نیروها افزوده بود. ثالثاً، طی ماه‌های اخیر در فضای مجازی و رسانه‌ای شاهد هجمه‌های موجه یا ناموجه تبلیغاتی منفی علیه جامعه پزشکی بودیم که متهم می‌شدند برای فرار از پرداخت مالیات، تمایلی به دریافت حق ویزیت و دیگر دریافتی‌های خود با دستگاه کارتخوان را ندارند و طبیعتاً بخشی از آن‌ها از این اتهام ناخرسند بودند. همچنین روابط آن‌ها با مراجعان و بیماران، دستخوش سوءظن و نارضایتی شده بود. با توجه به این شرایط قاعدتاً نمی‌بایست انتظار داشته باشیم مجموعه کادر درمانی کشور در مواجهه با بحران پرخطر کرونا جلوه‌های ایثار و از خودگذشتگی بسیار بالا از خود نشان دهند.

۲- تحریم داروها و تجهیزات پزشکی که از قبل تنگناهایی برای عملکرد بهینه نظام سلامت ایجاد کرده بود در شرایط پس از بحران کرونا می‌توانست به نحو فزاینده‌ای بحران را تشدید کند. خصوصاً وقتی بدانیم بخش مهمی از جامعه پزشکی، بیماران و بستگان آن‌ها نیز نسبت به عوامل و سیاست‌هایی که مسبب این تحریم‌ها شده بودند نگرش انتقادی داشته و حداقل بخش مهمی از آن‌ها موضعی همدلانه با حاکمیت کشور نداشتند. به همین دلیل، هم کادر پزشکی می‌توانست

برای کم‌کاری و گریز از خطر ناشی از کار در محیط و شرایط پرخطر و بشدت آلوده، توجیهاتی داشته باشد و هم جامعه و بازار مصرف این قبیل داروها و تجهیزات، با تلاطم، فساد و بازار سیاهی بمراتب سهمگین‌تر از آنچه پدید آمده‌بود، مواجه گردد.

۳- علاوه بر دو مورد فوق که مستقیماً در بُعد مسائل بهداشتی می‌توانست به تشدید بحران منتهی شود، مسأله تحریم‌های بین‌المللی، محدودیت‌های منابع پولی و بانکی، بن‌بست برجام، سایه سنگین عدم تصویب FATF و دیگر ابعاد بحران مانند تورم ارزی - ریالی، بیکاری و رکود اقتصادی می‌توانست بحران کمبود کالاهای اساسی را به شدیدترین وجه آن مبدل سازد. بخصوص که فرض محدودیت در واردات و مشکلات خرید از منابع جهانی هم بعلت عواملی که پیش‌تر گفته شد غیرقابل تصور و نامحتمل نبود.

۴- شکاف در حاکمیت بویژه در فضای انتخاباتی که شاهد رد صلاحیت‌های وسیع داوطلبان بودیم، کم‌سابقه‌ترین منازعه درون‌حاکمیتی را رقم زده‌بود و این امر می‌توانست به ناهماهنگی و تعارضات در مدیریت بحران کرونا دامن بزند. این مسأله به ویژه وقتی بیشتر قابل فهم می‌شود که به موضوع کاهش چشمگیر مشارکت انتخاباتی توجه کنیم که نشانه بارزی از نارضایتی‌های تجمیع‌شده در بخش‌های مختلف جامعه ایران را جلوه‌گر می‌ساخت و می‌توانست بحران ناشی از کرونا را وخیم‌تر کند.

۵- رخداد‌های دیگر از جمله تصمیم‌گیری شوک‌آور در افزایش قیمت بنزین، اعتراضات و برخوردهای خسارت‌باری که متعاقب آن بوجود آمد و نیز مسأله سقوط دردناک هواپیمای اوکراینی و جان باختن جمعی از جوانان نخبه که با اتهام پنهان‌کاری و خطای اطلاع‌رسانی مرتبط با آن به یکی از نمودارهای برجسته بدگمانی و نارضایتی گسترده تبدیل شد نیز می‌توانست بر وخامت اوضاع بیافزاید.

۶- داده‌های آماری مربوط به وضعیت سرمایه اجتماعی نیز نشانگر نرخ بسیار پایین این شاخص و مؤید میزان بی‌اعتمادی گسترده بین مردم و دولت و حاکمیت از یکسو و کاهش اعتبار مرجعیت گروه‌ها و نهادهای مرجع سنتی بود؛ همه این‌ها گواه آن بود که اگر جامعه با بحران بزرگ و خطرناکی مواجه شود، مدیریت بحران امر ساده و آسانی نیست و انتظار هرگونه تعارض مدیریتی و ناکامی ناشی از فقدان مدیریت مناسب کاملاً متصور بود.

۷- علاوه بر عوامل فوق، با توجه به سیطره روزافزون نوعی دین‌داری مناسک‌گرا و مبتنی بر تعبد اخباری‌گرایانه به متون دینی و باورهای افراطی غالی‌منشانه، که با دینداری خردورزانه و نواندیشی دینی تعارض و ناسازگاری جدی دارد و به بهانه پیگیری علوم اسلامی، طرد و نفی دستاوردهای علمی را وجهه همت خود قرار داده‌است، بسیار طبیعی می‌نمود که این نوع دینداری در مواجهه با بحرانی که مقابله با آن به مرجعیت علوم روز دامن می‌زد دست به مقاومت زده و عملاً در مسیر تشدید بحران حرکت کند. این امر به ویژه وقتی تشدید می‌شد که نوعی توطئه‌انگاری در پیدایش بحران و منشأ

آن هم مطرح شده باشد و این سوءظن‌ها، تبعیت اینگونه دین‌داران را از نسخه‌های مبتنی بر دانش و علوم روز با دشواری جدی مواجه می‌کرد.

مجموعه ملاحظات فوق، بستر مساعدی فراهم کرده که انتظار می‌رفت براساس آن، جامعه ایران در مواجهه با بحران پیچیده و مخربی چون سرایت ویروس کرونا با دشواری‌های بسیار جدی مواجه شود و خسارت و تلفات آن در مقایسه با دیگر جوامع بمراتب سهمگین‌تر گردد.

اما خوشبختانه علی‌رغم برخی قصورها، ناکامی و غافلگیری‌های اولیه، تا اینجای کار خسارت و تلفات وارده در جامعه ایران در مقایسه با بسیاری از جوامع پیشرفته که محدودیت‌ها و تنگناهای خاص ایران را هم نداشتند بسیار کمتر و کارنامه مدیریت آن بمراتب موفق‌تر بوده است. اگر بخواهیم عوامل و نشانه‌های این شگفتی‌آفرینی را احصاء کنیم می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

عوامل و نشانه‌های مؤثر و شگفتی‌آفرین در کاهش خسارات و تلفات

۱- عملکرد و ایستادگی مجموعه کادر درمانی کشور و خطرپذیری اینارگرایانه آن‌ها علی‌رغم گلایه‌مندی‌ها و نارضایتی فراوان

خدمات پزشکان و کادر درمانی کشور در طول جنگ تحمیلی نیز کارنامه پرافتخاری برای این قشر بود ولی در آن مرحله، فراگیری و گستره کم کسانی که درگیر خدمات درمانی به رزمندگان در مناطق عملیاتی و خطرخیز می‌شدند در مقایسه با کل جمعیت جامعه پزشکی بالا نبود و فضای اجتماعی و همبستگی ملی هم در آن شرایط با این دوران کاملاً متفاوت بود. به هر حال برای اینجانب بعنوان یک پژوهشگر اجتماعی، با شناخت و تصویری که از میزان نابرابری‌های موجود در درون این اقشار داشتم و با فرض اینکه باورهای سنتی- مذهبی آن‌ها از مردم عادی پایین‌تر و فردیت‌گرایی و رفاه‌طلبی آن‌ها بالاتر از میانگین جامعه تصور می‌شد، خطرپذیری نسبتاً فراگیر این قشر در بحران اخیر انصافاً شگفتی‌آفرین بود. این تجربه نشان داد اخلاق حرفه‌ای و وجدان جمعی مدرن و آموزه‌های انسان‌دوستی، صرف نظر از میزان پایبندی به مناسک و ظواهر دینی، در شرایط بحرانی می‌تواند راندمان و عملکرد قابل قبول و افتخارآفرینی از خود بروز دهد. تردید دارم اگر برای بعضی اقشار و صنوف دیگر که ظواهر یا ادعای مسئولیت‌شناسی بالاتری دارند این آزمون پیش می‌آمد در حد عملکرد جامعه پزشکی کشور از این آزمون سربلند بیرون می‌آمدند.

۲- نحوه برخورد جریان‌های سیاسی رقیب یکدیگر و نهادهای مدنی منتقد در بحران کرونا

جریان‌های سیاسی رقیب یکدیگر و نهادهای مدنی منتقد نیز به وجه غالب با رویکرد سیاسی و جناحی با موضوع برخورد نکردند و نه تنها از شرایط برای تسویه حساب‌های سیاسی بهره‌برداری حداکثری نکردند بلکه تا حدودی همدلانه و با نقادی‌های خیرخواهانه به اصلاح روند تصمیم‌گیری‌ها کمک نمودند و از فضای مسموم و مخرب منازعات جناحی در این

عرصه کمتر می‌توان سراغ گرفت. در این قضیه حتی عملکرد و مواضع بخش مهمی از هم‌وطنان مهاجر که نوعاً از حاکمیت هم ناراضی هستند، همدلانه بود و به مواضع و سیاست‌های تحریمی علیه کشور و ملت ایران در این شرایط سخت، اعتراض نمودند و این امر هم به نوبه خود شگفتی‌آفرین بود.

۳- هم‌سوئی و تعامل نسبتاً خوب نهادها و واحدهای حاکمیتی با ستاد ملی مبارزه با کرونا

در حالی که طی چندسال اخیر نوعاً شکاف و تعارض فشل‌کننده‌ای بین مواضع و عملکرد نهادهای حاکمیتی تحت نظر مقام معظم رهبری و بخش‌های زیر نظر دولت و قوه مجریه وجود داشت و هرگاه نهادهای حاکمیتی اراده‌ای برای ورود، حضور و مداخله در قلمرو موضوعات اجرایی پیدا می‌کردند منتظر اذن و اجازه دولت و متولیان امر نمی‌ماندند ولی در بحران اخیر شاهد چنین عملگری نبودیم و فرمان مقام رهبری به رئیس ستاد نیروهای مسلح مبنی بر تشکیل قرارگاه رزمایش جنگ‌های بیولوژیک بجای آنکه به تداخل اقدامات و تنش در مدیریت بحران بیانجامد، در حد قابل قبولی امکانات بهداشتی و منابع سپاه، ارتش و بسیج را با هماهنگی ستاد ملی مبارزه با کرونا به خدمت آورد و بخشی از کمبودها و بحران‌های اولیه را کاهش داد. هم‌اینک نیز در جریان مقابله با وجوه اقتصادی بحران، مراکز و نهادهای اقتصادی تحت امر رهبری همچون ستاد اجرایی فرمان امام (ره)، بنیاد مستضعفان، کمیته امداد امام خمینی (ره) و آستان قدس رضوی برای حمایت از اقشار آسیب‌پذیر دست به تلاش‌های ارزنده‌ای زده‌اند. هرچند نمی‌توان ادعا کرد این حمایت و تلاش‌ها در بالاترین حد ظرفیت این نهادها و با بهترین شیوه‌ها در حال انجام است ولی انکار نمی‌توان کرد که همین حد از تعامل و هماهنگی، موضوعی است که طی سال‌های اخیر کمتر شاهد آن بوده‌ایم و به همین دلیل وجود آن را باید به فال نیک گرفت.

۴- پذیرش مرجعیت علمی و تخصصی وزارت بهداشت و دستورالعمل‌های نهادهای کارشناسی ذیربط در امر مبارزه با کرونا از سوی وجه غالب نهادهای دینی و روحانیون، اطاعت و اجرای فرامین و دستورالعمل‌های نهادهای کارشناسی و علمی از سوی مراجع و مردم دین‌باور

با آنکه در مراحل اولیه، شاهد بعضی تعارض‌ها و نافرمانی‌هایی در این خصوص بودیم اما تقریباً همان مقاومت‌های اولیه نیز با حمایت و استقبال نهادهای دینی رده بالاتر مواجه نگردید و به تدریج شاهد بودیم که تقریباً کلیه مناسک جمعی اماکن مذهبی و فعالیت‌های دینی که با مقتضیات و دستورالعمل‌های ستاد ملی مبارزه با کرونا مغایرت داشت تعطیل شد و نوعی انقیاد، تبعیت و پیروی از احکام و نظرات کارشناسی بر وجه غالب نهادها و مجامع دینی غلبه پیدا کرد. پیدایش این همدلی و تبعیت برای کسانی که به اهمیت و جایگاه مناسک دینی نزد دین‌باوران سنتی و مقید وقوف دارند و به ویژه با تردیدهای جدی که در اعتبار و حجیت آموزه‌های علمی روز نزد برخی از اینگونه دین‌داران وجود دارد آشنا هستند، بیشتر شگفتی‌آفرین خواهد بود.

۵- غلیان احساس مسئولیت حداکثری برای تأمین نیازمندی‌ها و رفع کمبودها

در حالی که در بسیاری از جوامع، بازتاب اولیه بروز مشکلات کرونا در کمیابی اقلام بهداشتی، مواد و لوازم طبی، درمانی و تشخیصی جلوه‌گر شد؛ این امر در جامعه ایران که تحت تحریم‌های فنی، اقتصادی و بانکی گسترده هم هست می‌توانست به نحو بسیار فاجعه‌بارتری از دیگر جوامع ظاهر شود ولی ابتکارات و خلاقیت‌های مردمی و ملی به سرعت پا به میدان گذاشت و به نحو باورنکردنی و سریع‌تر از آنچه که قابل تصور بود، تولید و توزیع نمونه‌های بومی این اقلام شدت گرفت. این حرکت بسیجی و کارساز گرچه با پاره‌ای از شیادی‌ها و فرصت‌طلبی‌های نامیمون و یا بزرگ‌نمایی‌های ناصواب نیز مواجه بود - و در جای خود باید به آسیب‌شناسی و مقابله با عوامل آن پرداخت - ولی شاهد شیرین و شگفتی‌ساز این حرکت ملی در خاطره ملت باقی خواهد ماند. از چرخ خیاطی خانگی آن زن سرپرست خانوار که تولید ماسک را جایگزین تولید معیشت‌ساز چرخ زندگی فقیرانه خود نمود تا ابتکارات نخبگان و جوانان پرانگیزه در مؤسسات کوچک و بزرگ دانش‌بنیان و نیز با اصلاح و تغییر خطوط تولید در مؤسسات و مراکزی که به سرعت خود را با نیازها و کمبودها تطبیق دادند، همه در کنار هم چون دوره جنگ تحمیلی و در مواردی فراتر از آن، معجزه عزم ملی در کمک به حل بحران کرونا را رقم زدند و این امر نیز از شگفتی‌های این دوران است.

۶- فعال شدن احساسات نوع‌دوستانه و اقدامات خیرخواهانه و کمک به آسیب‌دیدگان

خوشبختانه هم در سطح نهادهای مدنی و NGOها، هم در سطح گروه‌های خانوادگی و فامیلی نوعی رقابت در امر خیرات و سهیم شدن در فعالیت‌های نوع‌دوستانه شروع شده‌است که به نظر می‌رسد در جریان ماه مبارک رمضان که به صورت سنتی و آیینی نیز در آن اِطعام و رفع نیازمندی شدت می‌گیرد، با جلوه دیگری از وجوه شگفتی‌ساز این ملت مواجه شویم.

انتظار می‌رود اکنون که به علت طولانی شدن پروسه مقابله با بحران و فقدان چشم‌انداز حل سریع آن، ابعاد اقتصادی و مشکلات آن به ویژه در مورد اقشار و گروه‌های فرودست اهمیت بیشتری می‌یابد و به نوعی تعارض بین مقتضیات بهداشتی که تداوم و شدت و حدت فاصله‌گذاری‌های اجتماعی و فضای قرنطینه‌گونه را می‌طلبد و مقتضیات اقتصادی بحران - که بازگشت به چرخه تولید و بازگشایی‌ها را می‌طلبد - ایجاد نموده‌است، ملت ایران از این فرصت ماه مبارک برای رقم زدن شگفتی‌آفرینی دیگری استفاده نماید و این دو مقتضای متفاوت را به نحوی توأمان برآورده نماید. از یک سو با تعطیلی سنت برگزاری افطاری‌ها و پذیرایی‌ها که به ویژه در سال‌های اخیر نوعاً تشریفاتی و پرهزینه هم شده‌بود، امر فاصله‌گذاری اجتماعی و رعایت موازین بهداشتی مقابله با ویروس را قوام بخشد و از سوی دیگر هزینه‌های صرفه‌جویی‌شده از این تعطیلی مراسم را در خدمت کمک به رفع گرفتاری اقتصادی آسیب‌دیدگان از بحران به مصرف برساند. خوشبختانه پیوندهای خانوادگی و محلی هنوز در فرهنگ ایران این مزیت را دارد که بانک اطلاعاتی بسیار خوبی از نیازمندان و نوع نیازمندی آن‌ها در شبکه فامیل و همسایگان را در اختیار نوع‌دوستان می‌گذارد و با اندک همت، هم‌افزایی و سرخیرشدن

خیرین پیشتاز می‌تواند منابع خوبی جمع‌آوری نموده و با حداقل فساد و در بهترین اولویت‌ها هزینه شود. ان شاءالله این وجه از شگفتی‌سازی‌های ملت ایران تا پایان ماه مبارک رمضان، جلوه‌های بیشتری از خود به نمایش بگذارد.

پیام برای سیاست‌گذاران

اول اینکه می‌بایست با ظرافت، قدر دستاوردهای بدست‌آمده تا این مرحله را بدانیم و در تعارض ملاحظات بهداشتی با اقتصادی، وسوسه بازگشایی‌های نسنجیده، شیرینی موفقیت‌های مرحله‌ای را خدای ناخواسته در کام مردم تلخ نگردانیم. و دوم، باید دانست که فرصت‌های زیادی از دست رفته‌است ولی قدردان این همدلی و سعه صدر ملی ملت باشیم و کینه‌ها و عداوت‌ها را در زلال بارش‌های بهاری بشوییم و گونه‌ای حرکت کنیم که جشن پایان بحران کرونا را با جشن پایان شکاف‌ها و تقابل‌ها گره بزنیم. همچنین باور کنیم وحدت ملی دست‌یافتنی است اگر چشم‌ها را بشوییم و کینه‌ها را از دل بزدااییم. منافع ملی خیلی متکثر نیست هر چند مسیرها متعدد باشد. وحدت مقصد را فدای کثرت مسیر نکنیم!